

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه کتاب‌های برنامه تلویزیونی «معرفت»

دفتر چهارم

حکمای اسماعیلیه

ابو یعنوب سجستانی

و

ناصر خسرو

ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ۱۳۱۳ -

حکمای اسماعیلیه: ابویعقوب سجستانی و ناصر خسرو؛ دیدگاه‌های فلسفی استاد غلامحسین

ابراهیمی دینانی / تحقیق و تدوین اسماعیل منصوری لاریجانی. تهران: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، ۱۳۹۵.

۱۳۲ ص. / مجموعه کتاب‌های برنامه تلویزیونی معرفت؛ دفتر چهارم

ISBN: 978-964-12-1153-2

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیفا.

ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ۱۳۱۳ - - مصاحبه‌ها؛ ابویعقوب سجستانی، اسحاق بن احمد، قرن ۴ ه.ق؛

ناصر خسرو، ۳۹۴ - ۴۸۱ ه.ق؛ ایران - - تاریخ - - اسماعیلیان، ۴۸۳ - ۶۵۴ ه.ق؛ منصوری لاریجانی،

اسماعیل، ۱۳۳۷ - - مصاحبه‌گر؛ صداوسیما جمهوری اسلامی ایران. انتشارات سروش.

رده‌بندی کنگره: ۹۹ الف / BBR ۱۳۰۳

رده‌بندی دیویی: ۱۸۹/۱

شماره کتاب‌شناسی ملی ۴۵۶۶۲۸۸



انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

تهران، خیابان استاد شهید مطهری، تقاطع خیابان شهید دکتر خاتمی، ساختمان سروش

مرکز پخش: ۸ - ۸۸۳۴۵۰۶۴ / سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۵۳۵۶ / <http://www.soroush-publishingco.ir>

عنوان: حکمای اسماعیلیه، ابویعقوب سجستانی و ناصر خسرو

دیدگاه‌های فلسفی استاد غلامحسین ابراهیمی دینانی

تحقیق و تدوین: دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی

ویراستار: مریم عابدی ولوجردی

صفحه‌آرا: مریم موسوی / طراح جلد: سیدایمان نوری نجفی

چاپ اول: ۱۳۹۵ / قیمت: ۷۰/۰۰۰ ریال

این کتاب در پانصد نسخه در چاپخانه انتشارات سروش لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

همه حقوق محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۲-۱۱۵۳-۲

۱۱	 سخن ناشر
۱۳	 مقدمه

□ بخش اول: تاریخچه و سبب سبجستانی

۲۳	 گفت و گوی ۱: ظاهر و باطن
۲۳	 تاریخچه فرقه اسماعیه
۲۴	 اندیشه آن‌ها از زمان حضرت آدم (ع) و عود داشته است
۲۵	 اصلاً هیچ ظاهری بدون باطن نمی‌شود
۲۵	 حق تعالی یک مفهوم کلی نیست، بلکه در او، شخص است
۲۶	 خود خداوند باطنی دارد و کلام او نیز دارای باطن است
۲۶	 حفظ ظاهر و باطن به‌طور متعادل، راه بسیار ظریفی است
۲۹	 درک باطن نیازمند آمادگی است
۲۹	 امامت در باطن یعنی چه
۳۰	 ظهور امام زمان دور کشف کامل اسرار امامت است
۳۰	 نکاتی در باب تأویل
۳۲	 آیات قرآن معادل وجود انسان کامل است
۳۳	 هر که علمش بیش، سیرش بیشتر
۳۴	 اولوالالباب اقیانوس معارف قرآنی هستند
۳۴	 دعاصر فالقلفه زبان نیست
۳۵	 همه آیات برای اولیا «محکم» است
۳۵	 زیر ظاهر، باطنی هم قاهر است

گفت‌وگوی ۲: تنزیه و تشبیه

۳۷ اسماعیلیه در وادی تنزیه مطلق

۳۸ تشبیه و تنزیه در لغت

۳۹ علمای اسماعیلیه توحیدشان بیشتر جنبه تنزیهی دارد

۴۰ متشرعان و متکلمان بیشتر جنبه تشبیهی را در پیش می‌گیرند

۴۱ باید در عین تشبیه، دارای تنزیه بود

۴۲ نوم نوح و آفت تشبیه

۴۲ بسته شدن راه تنزیه، یک خطر است

۴۴ خداوند صفت زاید بر ذات ندارد

۴۵ خداوند مطلق است و قیدبردار نیست

۴۶ این نوعی بی‌ایمانی است

۴۷ چه چیزی در در باطن است که در قطره نیست

۴۸ انسان پاکیزه لایق دریافت علم غیب است

۴۸ هر آدمی که فقط یک طرف را ببیند دجال است

۴۹ کاغذ اسپید نابنوشته باش

۵۰ انحراف اسماعیلیه بعدها شروع شد

۵۰ از راه بی‌عقلی نمی‌شود به معارف قرآن پیوست

۵۱ آن‌ها معتقد بودند که اصولاً هستی‌شناسی بدون معرفت‌شناسی نمی‌شود

گفت‌وگوی ۳: عقل و عشق

۵۳ معیار زیبایی‌ها و زشتی‌های امور، با عقل است

۵۴ جنگ زرگری عقل و عشق

۵۴ اصلاً خود کلام، معجزه است

۵۵ آیین اسلام، با عقل شروع می‌شود

۵۸ در ذات عقل گفت‌وگو وجود دارد

۵۸ انسان که یک موجود بیشتر نیست

۵۹ خیال از عقل مهم‌تر است

۶۰ در بیان معنای دیدن و تمییز دادن

۶۰ اگر عقل نبود، خوب و بد نبود

۶۱ عقل همه چیز را می‌فهمد اما چیزهای دیگر، عقل را نمی‌فهمند

۶۱ تفاوت اندیشه و عقل

- ۶۲ او وجود حضرت ختمی مرتبت را تجسم عقل می داند
- ۶۲ عقل با معقول نسبت بی واسطه دارد
- ۶۳ چراغ به نورش چراغ است
- ۶۴ ما دیدن خود را نمی بینیم
- ۶۵ جان های موجودات را جدی بگیرد
- ۶۶ در مقام نبوی همه باید ساکت باشیم
- ۶۷ نفّس حق در سخن ظاهر می شود
- ۶۷ خداوند رحمتش بر غضبش سابق است
- ۶۹ گفت و گو ۴: خلق و امر
- ۶۹ خنای عالم امر و عالم خلق
- ۶۹ نخستین چیز، خدا است
- ۷۰ خداوند بر سخن هدیه در فعلش ظاهر شود
- ۷۱ عالم خلق و عالم امر
- ۷۱ عالم خلق، عالم نفس و جهان است
- ۷۴ از زمانی که بشر پیداست، مسافه آغاز شد
- ۷۵ همه امور و جریانات عالم به او پیوسته است
- ۷۷ اقسام وجود
- ۷۸ «لِمَ» در دل «کُن» مستتر است
- ۷۹ هر موجودی مستند به علل خودش است
- ۸۰ «لِمَ» مهم ترین واژه ای است که بشر با آن سروکار دارد
- ۸۰ خداوند از شدت پر بودن، «الملئان اوجب الفیضان» است
- ۸۱ ابویعقوب سجستانی و عرفان قرآنی
- ۸۲ آیا خداوند نیز لذت می برد یا خیر؟
- ۸۲ آگاهی خصلت عقل است

□ بخش دوم: ناصر خسرو

- ۸۷ گفت و گوی ۵: حکمت دینی و حکمت فلسفی
- ۸۷ اندیشه های والای او در خلال کتاب ها مدفون مانده است
- ۸۸ حکمت فلسفی در منظر ناصر خسرو
- ۸۸ حکمت فلسفی ثمره عقل است

- ۸۸ آیا باور و اعتقاد بدون فهم ممکن است؟
- ۹۰ حکمت دینی عصارهٔ عقل است
- ۹۰ آیا عالم خیال، عالمی منفصل از انسان است
- ۹۱ عالم خیال در منظر بزرگان فلسفه و عرفان
- ۹۲ مرز اوهام و خیالات
- ۹۳ حکمت فلسفی بیشتر جنبهٔ منطقی دارد
- ۹۴ تاویل دینی چه فرقی با هرمنوتیک دارد؟
- ۹۵ معلم نخستین و حقیقی انسان خداوند است
- ۹۶ اسم و اسم اسم
- ۹۷ شش کل اسرار حق را مویه مو
- ۹۷ نکات تربیتی در بیان زاهد خسر و
- ۱۰۱ گفت و گوی شش. عقلا در حکمت
- ۱۰۱ میزان انسان، عقل است
- ۱۰۲ اگر حکمتی نبود، حق بی نداشت
- ۱۰۳ حق یک میزان نفس الامری جهان است
- ۱۰۴ مسجد حقیقی دل مؤمن است
- ۱۰۵ باید از چه چیزی خوشحال بشویم و از چه چیزی لذت ببریم؟
- ۱۰۵ هر عضوی لذت و رنجی دارد
- ۱۰۶ معقولات هیچ گاه از بین نمی روند و لذت عقلی را کنار نیست
- ۱۰۷ کار جاهل بر اساس جهالت است
- ۱۰۸ کل هستی کتاب تکوین خداوند است
- ۱۰۹ عالم امر، عالم دفعی است
- ۱۰۹ در حکمت و میزان، جای ریب و شکی وجود ندارد
- ۱۱۰ الف، سر قامت یار است
- ۱۱۱ تمام اسرار قرآن در این حروف مقطعه است
- ۱۱۱ خلق «لا مِنْ شَیْءٍ» و خلق «مِنْ لَاشَیْءٍ»
- ۱۱۲ حکمت که همان عقل است، ظهور خداوند است
- ۱۱۳ عقل و حکمت، طفیل حق هستند
- ۱۱۴ عقل را هم خود عقل می شناسد
- ۱۱۴ علما و عارفان، عقلا هستند

- ۱۱۵ عقل قدسی با عشق یکی است
- ۱۱۶ هیچ جا خالی از عقل نیست
- ۱۱۶ نهایت هر شیء بازگشت به بدایت آن شیء است

فهرست‌ها

- ۱۱۹ فهرست آیات
- ۱۲۱ فهرست روایات و ادعیه
- ۱۲۱ فهرست اشعار
- ۱۲۷ منابع
- ۱۲۹ ضمیمه

www.ketab.ir

سخن و اثر

برنامه معرفت یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های سیمای جمهوری اسلامی ایران در بخش معارف است. این برنامه حدود هفت سال است که مستمر از شبکه چهار پخش می‌شود. در این مدت، برنامه توانست طیف وسیعی از مخاطب را به خود جذب کند. بیان روان و شیوای استاد دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی در این برنامه، موجب جذب مخاطب شده است.

آنچه اکنون پیش روی شما خواهد افتاد، فرهیخته قرار دارد، چهارمین مجلد از مجموعه کتاب‌های تولید شده از برنامه‌ی معرفت با عنوان حکمای اسماعیلیه است.

از ویژگی‌های بارز این مجموعه، بیان مطالب عمیق حکمی و عرفانی در قالب الفاظ و اصطلاحات روشن برای فهم دقیق مطالب برای اغلب مردم است. متون فلسفی و عرفانی همواره با پیچیدگی‌هایی همراه است. موجب دوری توده مردم از این گونه مطالب می‌شود. البته پاره‌ای از این موضوع را ضروری است؛ زیرا فهم دقیق حکمت به فراگرفتن مقدمات از سویی، و آشنایی با دیگر به ذوق و استعداد خاص نیاز دارد. استقبال از این برنامه بار دیگر نشان داد که در میان ایرانیان، بسیاری مردم فرهیخته‌اند که افزون بر ذوق و استعداد ذاتی، علاقه سرشاری به درک مبانی معرفتی، عرفانی و فلسفی دارند. این تجربه ثابت کرد که در صورت بیان درست عرفان اصیل، جایی برای پرورش و تبلیغ عرفان‌های کاذب و دروغین نخواهد ماند.

این مجموعه برنامه‌ها به خوبی وفاق قرآن، عرفان و برهان را به مخاطب صاحب بصیرت نشان می‌دهد. پرداختن به آیات و روایات و اشعار بزرگان برای درک بهتر مطالب، از جمله ویژگی‌های این برنامه است که با بیانات شیوای استاد غلامحسین ابراهیمی دینانی در پاسخ به پرسش‌های موشکافانه دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی، روح مخاطب را با عمق مفاهیم حکمی آیات و روایات همراه می‌کند و افزون بر آن، شعر و ادبیات نیز قریحه لطیف مخاطب ایران را می‌نوازد.

این مجلدات بر اساس مباحث مطروحه در برنامه معرفت تنظیم شده و غیر از سه مجلد که درباره مسائل کلی معرفتی است، دیگر مجلدات به بررسی افکار و آرای اندیشمندان بزرگ اسلامی در حوزه حکمت و عرفان می‌پردازد. در نگارش مطالب ضمن امانت‌داری، حالت صمیمی گفتار و دوری از تکلفات نوشتاری رعایت شده است.

انتشارات سروش

مقدمه

حکومت اسماعیلیان در ۳۶۱ هجری تأسیس شد و کشور مصر نیز مرکز حکومت آنان بود. اندیشمندان معروف آن دوره ابویعقوب سجستانی، ناصر خسرو، «میدالدین کرمانی» و ابوحاتم رازی اند.

اسماعیلیان به اسرار باطن معتقد بودند و امام را معلم امور باطنی می‌دانستند. در نظر ایشان، پیروی از عقل یا خدگویی در کار تأویل، و تأمل و هماهنگی میان ظاهر و باطن نقش عمده ایفا می‌کند.

اندیشمندان اسماعیلی منبع وحی و فلسفه را یکی می‌دانند و تعارضی بین آن‌ها نمی‌بینند. همان‌طور که ابوحامد محمد عزالی ادعا می‌کند منطق از آغاز خلقت وجود داشته است و پیغمبران آن را از طریق وحی الهی به مردم تعلیم داده‌اند.^۱ همچنین آنان معتقدند که علوم حقیقی در خانه حبیب خداوند قرار دارد و تنها کسانی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند که خداوند آنان را برگزیده باشد.^۲ همان‌طوری که سجستانی انسان پاکیزه را لایق دریافت علم غیب می‌داند، مولوی هم زیبا گفته است:

بر نوشته هیچ بنویسد کسی؟
یا نهاله کارد اندر مغرسی؟
کاغذی جوید که آن بنوشته نیست
تخم کارد موضعی که کشته نیست

۱. ایراهیمی دینانی، منطق و معرفت، ص ۳۱.

۲. ابویعقوب سجستانی، کشف‌المحجوب، ص ۲.

تو برادر موضعی ناکشته باش!
 کاغذ اسپید نابنوشته باش!
 تا مشرف گردی از نون والقلم
 تا بکار در تو تخم آن ذوالکرم^۱

ابویعقوب معتقد است که همه شریعت‌ها چون کالبد است و کلمه خدا چون روح است. همه شریعت‌ها را خدا وعده کرد که با فرود آمدن عیسی (ع) همه اسرار فیامت غیوب آش شوند. و نیز معتقد است با ظهور امام زمان (عج) دور کشف فرامی‌رسد و همه آنچه در باطن بوده است ظاهر می‌شود.^۲

سجستانی روی عقل و عام تکیه کرده است و عقل را در درجه اول میزان و معیار حقیقت می‌شمارد. پیامبران نیز در قلمرو عقل وارد می‌شوند و مخاطب آنان عقول بشریت است. و دیگر اینکه، عقل را مرکز جهان دانسته و تعدد عقل را مردود می‌شمارد، در حالی که نزاری معتقد به تعدد عقول است و در نظر او، جنبه معرفتی و وجودی عقول با هم متحد شده‌اند.

حکیم سجستانی به تنزیه مطلق خدا باریک و تعالی معتقد است. به‌طوری‌که خداوند را فراسوی زبان و کلام و انسیسه انسان می‌داند و تلاش می‌کند تصورات و مفاهیمی را که اشخاص در ذهن خود از خداوند دارند از لوح ضمیر بزداید، همان‌گونه که عطار می‌گوید:

ای در میان جانی و جان از تو بی‌خبر
 از تو جهان پر است و جهان از تو بی‌خبر

ابویعقوب عقل را محیط به همه عالم می‌داند. یعنی عالم، تجسم عقلانیت است، اما به عقلانیت خود آگاه نیست. به عبارت دیگر، امور طبیعی در عین اینکه معقول‌اند و در دایره عقل قرار گرفته‌اند به حکم اینکه دارای اختیار و

اراده نیستند از آگاهی به آگاهی بی بهره می مانند.^۱

ابویعقوب در آخر کتاب کشف المحجوب به هماهنگی و توافق میان عقل و قرآن اشاره کرده است.^۲

نکته دیگر، سخن گفتن عقل با نفس است. اگر نفس به جهان جسم و جسمانیات تعلق پیدا کند عقل به مقتضای رحمت خود با او سخن می گوید و این همان چیزی است که «خطاب سفلی» نامیده می شود. اگر نفس به امور روحانی تعلق پیدا کند، خطاب عقل با نفس «خطاب علوی» خواهد بود. اصولاً عقل به نفس می آموزد که خوبی ها چیست و زشتی ها کدام است؟ «عن عمارت او در این باره چنین است: «و دیگر اینکه انواع صورت ها فراچکیده نل اهل است.»^۳

درست است که مرتزق میدان آنتولوژی غیر از میدان اپیستمولوژی است و حوزه این دو از یکدیگر جدا و متمایز است ولی اگر کسی به ژرفای سخنان ابویعقوب سجستانی توجه کند با آسانی درمی یابد که به نوع دیگری نیز می توان به عقل نگاه کرد و در آن نگاه، اصالت میان آن دو برداشته خواهد شد. تحقق و ظهور امور جسمانی و روحانی به زو جیت مشاهده می شود و هر آنچه به عنوان زوج در این عالم مشاهده می شود قائم به امور پروردگار است و برای همین خداوند از امر خود با دو کلمه کاف و نون یاد می کند.^۴ و لام و میم بین دو حرف کاف و نون واقع شده، کلمن ساخته می شود. و کلمه «لِم» به معنی چرایی و علت امور به کار گرفته می شود. سجستانی چنین نتیجه می گیرد که لِم چون بین دو حرف کاف و نون که تسبیل دهنده کلمه «کُن» به شمار می آید، واقع شده است، علت همه امور نام در امر حق تبارک و تعالی قرار گرفته است و چیزی بیرون از امر پروردگار وجود

۱. همو، الینایع، بنوع پنجم.

۲. همو، کشف المحجوب، ص ۹۷.

۳. همو، الینایع، ص ۶۸.

۴. همو، کشف المحجوب، ص ۲۲.

نخواهد داشت. لذا معتقد است که پرسش از چرایی و علت آفرینش عالم، امری محال و ممتنع به شمار می‌آید.^۱

سجستانی به معاد روحانی باور دارد و لذت‌های آخرت را لذت حسی نمی‌داند بلکه لذت علم و آگاهی می‌داند که با عالم بقا و جهان جاودان مرتبط است. ایشان در ینبوع ۲۹ به جمله‌ای در آیه ۳۵ سوره رعد، «اَكْلُهَا دَائِمٌ»، اشاره دارد که لذت پاداش اخروی را دائمی و همیشگی می‌داند.

او علاوه بر سبق قبل از آفرینش پروردگار را منکر است و آن را نوعی نقص و نارسایی می‌داند. او می‌آورد، که ریشه آن در تنزیه مطلق حق تعالی است. از بزرگان دید اسماعیلیه، ناصر خسروست که ذوق شاعرانه داشت و قصیده را به عنوان سبک شایسته خود انتخاب کرد و کتاب‌های زادالمسافرين، وجه دین، و جامع الحکمتین از آثار معروف اوست.

او بهترین توشه را علم و آگاهی می‌داند. در جامع الحکمتین حکمت دینی و فلسفی را با هم جمع کرد تا دین از اوهام و خیالات جدا باشد.^۲ ناصر خسرو معتقد است نسبت به آنچه نمی‌داند در عالم توقف و در سخن خاموش است.

بکنم هر چه بدانم که در حیران است

نکنم آنچه بدانم که نمی‌دانم

حق هر کس به کم‌آزاری بجزایم

که مسلمانی این است و مسلم‌انم

سبب تألیف جامع الحکمتین او پاسخ به پرسش‌های ابوالهیثم، یکی از اندیشمندان اسماعیلی بود که بسیاری از مسائل فلسفی و دینی را در قالب قصیده‌ای به نظم درآورده و آن‌ها را به صورت پرسش مطرح کرده بود. ناصر خسرو می‌نویسد: از این قصیده آنچه به ما رسیده، هشتادودو بیت است که در مجموع نودویک سؤال است؛ چه فلسفی، چه منطقی، چه طبیعی،

چه نحوی، چه دینی، و چه تأویلی.^۱

او علت آلی یا ابزاری را به علل چهارگانه در فلسفه اسلامی اضافه کرد و معتقد است که حکمای دین حق، برای پیدایش هر امر حادث به هفت علت قائل شده‌اند؛ یعنی مکانی و زمانی بودن را نیز در زمره علل به شمار آورده است.^۲

او در تفسیر «عَلَّمَ الْأَسْمَاءَ» به حضرت آدم^(ع) می‌گوید: منظور تعلیم معانی و حقیقت امر است. «خداوند متعال ... به آدم علیه‌السلام این نام‌ها را آموخت تا هر چه اندر عالم بدید بدانست که فعل آن چیست.»^۳

ناصر خسرو بر این به روش تأویلی سخت باورمند است هلاک قوم نوح و عاد و ثمود را هلاکت در جهل و نادانی می‌داند: «گوییم که این هلاک که خدای مر عاد و ثمود و اصحاب الرّس را همی گوید نه هلاک جسدی و مرگ بدنی است، این هلاک جهل و ضلالت است.»^۴

نکته مهم اینکه، ناصر خسرو حاکمیت را برتر و بالاتر از حق می‌داند. از الناصر لدین الله نقل می‌کند که او بر این پدید آمد: حکمت فاضل‌تر است یا حق؟ او در پاسخ گفت: حکمت فاضل‌تر است از حق، زیرا حق به حکمت، حق است چون که حق آن است که شبهه را از میان بردارد و حکمت علمی است که از علم صادر می‌شود، البته آنجا که علم به مسأله عمل نشود حکمت تحقق نمی‌پذیرد.^۵

«کلمه حق» در اصطلاح اسماعیلیان معنی مخصوص دارد و آنان معنی حق را از آیه «وَلَدِينَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» گرفته‌اند. حق هنگامی تحقق می‌پذیرد که اشتباه از میان برداشته شود و اشتباه وقتی از

۱. همان، ص ۳۱۴.

۲. همان، ص ۹.

۳. همان، ص ۲۴.

۴. همان، ص ۳۸.

۵. همان، ص ۱۱۴.

۶. مؤمنون/ ۶۲: «نزد ما کتابی است که به حق سخن می‌گوید و بر آن‌ها ستمی نمی‌رود.»

میان برداشته می‌شود که طریق تأویل که بازگرداندن سخن به اصل خود است حاکم شود. عقل چون مؤید رسولان الهی است سخن به تأویل گفتن مورد پذیرش و تأیید عقل خواهد بود. شعر ناصر خسرو چنین است:

دریای سخن‌ها سخن خوب خدای است
پرگوهر و باقیمت و پرلؤلؤ لالا
شور است چو دریا به مثل صورت تنزیل
تأویل چو لؤلؤست سوی مردم دانا
اندر بن دریاست همه گوهر و لؤلؤ
غراض طلب کن، چو روی بر لب دریا
قنایل فیه زی به شب قدر به مسجد
مسجد است چون روز و دلت چون شب یلدا

حقیقت لذت و شادی از همه عقل آدمی ناشی می‌شود. ناصر خسرو می‌گوید: دلیل بر اینکه جوهر عقل شادی است آن است که ثبات شادی به زوال جهل آمده است و زوال جهل بر آمده به علم است.^۱ همچنین نزد ناصر خسرو، غم و گریه از آثار قلب است که در میان بسیار عزیز است.

جوهر سرمدی در نظر ناصر خسرو عقل کامل است که موجود نخست به شمار می‌آید و بقای آن دهر را تشکیل می‌دهد. به این ترتیب، دهر در افق عقلی و زمان در افق نفس کلی قرار می‌گیرد.^۲

ناصر خسرو کمال عقل را علم شناخته است و علم را نیز از طریق سخن انتقال پذیر می‌داند.^۳ او معتقد است مردم باید در آغاز دین تقلید کنند تا اینکه بتوانند از طریق تقلید به مرحله تحقیق دست یابند.^۴

ناصر خسرو کتاب تکوین و تدوین را هم‌طراز و هماهنگ به شمار آورده

۱. ناصر خسرو، جامع‌الحکمتین، ص ۱۱۷.

۲. همان، ص ۱۱۴.

۳. همانجا.

است. ناصر خسرو با تمسک به آیه «الم ذلك الكتاب لا ريب فيه»^۱ حرف «الف» را اشاره به طول، حرف «لام» را اشاره به عرض و حرف «میم» را اشاره به عمق عالم اجسام می‌داند که عالم خلق شناخته می‌شود. همچنین ناصر خسرو نفس را فرزند عقل و علم را فعل او می‌داند.

ناصر خسرو معتقد است که عقل در ادراک حق تعالی به نور حق منور می‌شود و در این منور شدن منفعل شناخته می‌شود. بدین ترتیب، ادراک حق تعالی ثابت است ولی حالت ادراک کننده پیش از ادراک و پس از ادراک متفاوت خواهد بود. این همان چیزی است که می‌توان آن را مفعول بودن ادراک کننده نامید.^۲ ناصر خسرو با متکلمان و بسیاری از حکما به مخالفت برخاسته و وفات از خداوند تبارک و تعالی نفی کرده است.^۳

همچنین، ابداع ناصر خسرو «خلق لا من شيء» یا «آفریدن نه از چیز دیگر» به شمار می‌آید. خداوند به همین معنی ابداع کننده است. عقل، ابداع خداوند تعالی است، چون از حیرت دیگر خلق نشده است.^۴ بنابراین عقل امری ازلی است. در اینجا ممکن است گفته شود خداوند — تبارک و تعالی — عقل را ابداع کرده است و چیزی که ابداع شده باشد در واقع حادث و مسبوق به عدم شناخته می‌شود. بنابراین وقتی ناصر خسرو عقل را امری ازلی می‌داند با نوعی تناقض روبه‌رو خواهد بود.

همچنین، ناصر خسرو عقل را علت همه علت‌ها می‌داند. اما آن را در ادراک معنی ابداع ناتوان می‌داند. این هم نوعی نارسایی در معنی نشان است. ناصر خسرو ابداع را فعل مخصوص خداوند — تبارک و تعالی — می‌داند.^۵ بیان آرای ابویعقوب سجستانی و ناصر خسرو به عنوان برجسته‌ترین تفکر اسماعیلیه کافی است که ما خطوط کلی اندیشه و مشرب این فرقه بزرگ

۱. بقره/ ۲۰: «الف، لام، میم. این است همان کتابی که در آن هیچ شکی نیست».

۲. همان، ص ۲۳۵.

۳. همان، ص ۴۹.

۴. ناصر خسرو، زادالمسافرین، ص ۹۶.

۵. همان، ص ۳۴۴.

تاریخی را بشناسیم. در متن پیش رو، زوایای دیگری از اندیشه آنان را در گفت‌وگو با استاد دکتر دینانی شکافته‌ایم تا خوانندگان عزیز و علاقه‌مندان به آشنایی و مطالعه آرای مکتب باطنیه بتوانند وجوه اشتراک آنان را با آموزه‌های عرفان اسلامی بشناسند و از تأثیر تاریخی آنان در تحول متون عرفان اسلامی و سرگذشت حکمای بعد از آنان آگاهی یابند و از نظرها و آرای سازنده خود ما را هم بهره‌مند سازند. والسلام.

اسماعیل منصوری لاریجانی